رشد گرایش به حجاب اسلامی در سوئد

میرزایی و محدث

براساس یک تحقیق از گرایشات اجتماعی و صنفی زنان مهاجر تبار ساکن سوئد، تمایل به استفاده از حجاب و پوشش اسلامی، بویژه در میان دختران نوجوان مسلمان تبار در جامعه سوئد افزایش یافته است. «زنان محجبه شاغل در امور مختلف جامعه، با حفظ حجاب و حمل روسری نشان می دهند با افتخار و پاکدامنی، می توانند در جامعه حضور داشته باشند.»

بنا به تحقیقاتی که توسط یک بانوی خبرنگار سوئدی به نام خانم «کاترینا بیروال » صورت گرفته، بانوان و زنان جوان مسلمان که بعضا سالها در سوئد زندگی کرده اند، بیش از زمان زندگی در کشورهای قبلی خود، به مت حفظ سنتها و پوشش اسلامی و استفاده از روسری گرایش پیدا کرده و پیوسته بر تعداد خانمهای محجبه افزوده می شود، به گونه ای که می توان گفت پوشش موی سر اکنون رایج شده است.

خانم کاترینا بیروال در بررسی خود، زنان محجبه را به دو گروه تقسیم کرده است: گروهی که عمدتا به منظور منحرف ساختن توجهات مردان و ممانعت از نگاه به آنان به چشم یک کالای جنسی و تجاری و گروه دیگر که از نظر سنتی داشتن روسری و حجاب همانند بپا کردن کفش برایشان امری محرز و طبیعی است. این خبرنگار سوئدی به این نکته نیز اشاره کرده است که پوشش حجاب (اسلامی) علاوه بر زمینه های فوق، می تواند برخاسته از یک دیدگاه سیاسی، عمدتا به منظور شکلی از مقاومت در برابر سرمایه داری غرب نیز مورد ملاحظه قرار گیرد.

آقای یوناس سونسون، دانشجوی دکترا در رشته اسلام شناسی دانشگاه شهر لوند (واقع در جنوب سوئد)، در گفت و گو با کاترینا بیروال، می گوید: در کشور سوئد آزادی کامل وجود دارد، بسیاری از دختران علی رغم مخالفت والدین خود، اکنون روسری برسر می گذارند و در این مورد نمونه های زیادی وجود دارد. وی می گوید: روسری سفید رنگ بزرگی که تا روی شانه ها را می پوشاند، توام با لباسهای غربی (از نظر رنگ و جنس، نظیر کت و دامن) به صورت یک روند مد در اروپا، میان زنان مسلمان فراگیر شده است. آنها در کشورهای دموکراتیک زندگی می کنند و حفظ اسلام خود را با آن جامعه تطبیق می دهند و همزمان، دانش و آگاهیهای آنان نسبت به نگرشهای مختلف در اسلام رشد می یابد.

خانم کاترینا بیروال در گزارش خود نوشته است: «افراد در خارج از وطن اصلی، اغلب سنتی ترو به حفظ سنن خود بیشتر گرایش پیدا می کنند و این امری است که زنان مسلمان را حتی از زمان زندگی در کشورهای خودشان، بیشتر به استفاده از روسری ترغیب می نماید. به نوشته وی: «حتی فمنیستهایی وجود دارند که معتقدند حجاب اسلامی، زنان آنان را از قیود بردگی و تهاجم مدها در امان نگه می دارد». این خبرنگار در بخشی از گزارش خود درباره برگزاری نمایشگاه روسری در حومه پایتخت استکهلم، نوشته است: «مد ساز معروف فرانسوی، پیر کاردن، بوتیک و شعبه ای در استانبول ندارد، اما در حومه استکهلم در منطقه رینکه بی (منطقه مهاجرنشین استکهلم) فروشگاه لباس زنانه ای وجود دارد که آخرین مد روسریها و مانتو از شالهای رنگین تا ردای بلند زنانه را می فروشد.

ملاحظات

در کشور سوئد علی رغم وجود گرایشات نژاد پرستانه که بعضا گزارشات مطبوعاتی روند رو به رشد آن را خبر می دهند، زنان مسلمان بویژه از کشورهای عربی، بوسنی و پاکستان، بیش از سالهای گذشته، به حفظ حجاب رغبت نشان می دهند.

در ایستگاههای قطار زیرزمینی و وسائط نقلیه همگانی و فروشگاههای بزرگ مرکز شهر، اکنون ملاحظه بانوان محجبه در مقایسه با 4 سال پیش، امری طبیعی و عادی به نظر می رسد.

براساس آخرین گزارشات رسانه ها، در حال حاضر 300-200 هزار نفر از جمعیت 8/8 میلیون نفری سوئد را ساکنان مسلمان تشکیل می دهند.

تعیین میزان تقید به اعمال و احکام اسلامی در میان مسلمانان سوئد، امری بسیار دشوار است، اما با وجود سه سازمان بزرگ سراسری اسلامی که عمدتا چتر فراگیر مراکز اسلامی مختلف در سوئد را تشکیل می دهند، می توان گفت که میزان تقید به حفظ شعائر اسلامی در میان مسلمانان ترک و عرب تبار بیش از مهاجرین سایر ملیتهاست و علاقمندی برای مراجعه به مراکز اسلامی (پس از مشخص شدن وضعیت اقامت در سوئد) در میان مسلمانان بوسنیایی و عرب، بیش از سایر مهاجرین دیده شده است.

گزارش روزنامه فوق از جمله گزارشات و به اصطلاح علائم اجرای اراده سیاسی دولت به ادغام فرهنگی مهاجرین در جامعه بومی سوئد و همچنین جلب افکار عمومی جمعیت کثیر مهاجرینی است که تابعیت سوئد را پذیرفته اند. درعین حال، این گونه گزارشات از دو زاویه دیگر نیز می تواند مورد ملاحظه قرار گیرد: اول آنکه هشداری است محترمانه و در واقع سیستماتیک نسبت به رشد اسلام گرایی نظیر حجاب در میان زنان مهاجر تبار در جامعه اروپا از جمله سوئد که باعث نگرانی عده ای از سیاسیون و دست اندرکاران امور فرهنگی این کشور گردیده است و دوم، موضوع باز نمودن بحث حجاب در جامعه سوئد (با توجه به رشد فزاینده گرایش به عایت حجاب در سوئد) و سپس تفسیر و تفهیم آن، نه بدان گونه که ماهیت و علل اصالت حجاب را در آیین اسلام مطرح نماید، بلکه به شکلی که از یکسو جامعه زنان، به نوعی آرامش نسبی احساس کنند و از سوی دیگر، شکل و نوع حضور آسان و متناسب شرایط را نشان دهد. شاید در نظر اول، تقلیل معنویت حجاب و مدرنیزه کردن به ذهن متبادر گردد، ولی باید هر پدیده اجتماعی را متناسب بستر و زمینه اجتماعی آن پدیده لحاظ کرده، گامهای سنجیده و متناسب برداشت. شرایط جهانی و اوضاع فرهنگی منطقه (اروپا - اروپای شمالی) نمی تواند متاثر از آنچه که در عالم خارج به نام اسلام، در حال تحقق یافتن است، نباشد; در طول بیست سال گذشته، سیاستمداران و صاحبان قدرت و مکنت مالی نیز تمام توان خود را در هدم جریان اسلامی بکار گرفته اند. اما نتیجه نه تنها به نفع منافع ایشان نبوده، بلکه روز بروز شاهد رشد اسلام گرایی هستند. بنابراین، عاقلانه این است که زندگی مسالمت آمیز با اسلام و مسلمانان داشته و از شدت تخاصم بکاهند. کشورهای اروپای شمالی که از سویی از نظر تاریخی همچون اروپا درگیری شدید مذهبی در عصر رنسانس و قبل از آن نداشته اند و از سویی دیگر، مهاجرپذیر و نیازمند مهاجر هستند، ترجیحا راه میانه را برخواهند گزید. البته راه طولانی و دارای فراز و نشیب فراوان خواهد بود که در این میان، رفتارهای فرهنگی و تبلیغات مذهبی ما می تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. متاسفانه آنچه که در تبلیغ و رفتار دینی ما در قالب حرکتهای فرهنگی جلوه گر گردیده است، بیشتر توجه خود را معطوف به حفظ تدین شیعیان موجود در محل نموده و تازه مسلمانان، همواره جذب سایر شعبه های مذهبی می گردند و به طور کلی، کمتر تازه مسلمان شیعه را شاهد هستیم. تغییرات جهانی، شبکه های ماهواره ای، ارتباطات گسترده و روزمره، ایجاب می کند که نسبت به رفتارهای فرهنگی و تبلیغی متناسب با مناطق گوناگون، برنامه های خاص و جداگانه ای تنظیم گردد.

منبع:

سفارت جمهوری اسلامی ایران - استکهلم